

# چگونه پیام‌های تلگرافی را در سطل زباله بیندازیم

اومبرتو اکو

ترجمه شهلا حائری

۳۸۵

قدیم‌ها، وقتی صبح پست می‌رسید، نامه‌های سر بسته را باز می‌کردیم و بقیه را به درون سطل زباله می‌انداختیم. امروزه کسانی که پیش از این نامه‌ها را سر باز می‌فرستادند درشان را می‌بندند و با پست سریع‌السیر می‌فرستند. شما هم هراسان پاکت نامه را باز می‌کنید و می‌بینید که در آن دعوت‌نامه بی‌اهمیتی است. بدتر اینکه پاکت‌های خیلی مرغوب یک نوع سیستم بسته‌بندی خاص غیر قابل نفوذ دارند که با کاغذ پر، دندان و چاقو هم باز نمی‌شود. چسب جایش را به یک جور سیمانی داده است که خیلی سریع سفت می‌شود درست مثل چسب دندانسازها. خوشبختانه هنوز از دست تبلیغ‌های فروش فوق‌العاده می‌توانیم جان بدر بریم و زود شصت‌مان خبردار می‌شود که موضوع از چه قرار است. چون روی پاکتش با خط طلایی نوشته شده «مجانی»، از همان بچگی یادم داده‌اند که اگر چیزی مجانی تعارف‌تان کردند باید زود پلیس را خبر کنید.

و اوضاع بهتر هم نخواهد شد. قبلاً تلگراف‌ها را با کنجکاو و حتماً با تب و تاب باز می‌کردیم چون یا حاوی خبر بدی بودند یا خبر مرگ ناگهانی عمویان را در امریکا می‌دادند. امروز هر کس خبر بی‌اهمیتی داشته باشد برایتان یک پیام تلگرافی می‌فرستد.

این تلگراف‌ها از سه دسته‌اند: آمرانه: «دعوت پس فردا همایش مهم درباره کشت سیب زمینی در منطقه بس لورن نقطه با حضور معاون مدیر کل آب و جنگل نقطه لطفاً فوراً با نماير

ساعت ورود اطلاع دهید» (بعد هم دنبالش یک فهرست طولانی از کلمات اختصاری و شماره می‌آید که دو صفحه را پر می‌کند و طبیعتاً و خوشبختانه امضای فرستنده پر مدعا درش محو شده است). دسته دوم تلگراف‌های تلویحی: «طبق قرار قبلی، حضورتان در همایش همیاری محافظت جانوران پستاندار استرالیایی اقلیج تایید می‌شود نقطه لطفاً هر چه سریعتر با نمایر با ما تماس گرفته شود.» مسلماً توافق قبلی هیچگاه صورت نگرفته است و اگر بختتان یار باشد پیش‌نویس توافقنامه بعداً با نامه بدستتان می‌رسد. اما وقتی نامه می‌رسد قبلاً تلگراف را انداخته‌اید در سطل زباله و باطل شده است و این نامه را هم طبعاً دور می‌اندازید. نوع سوم تلگرام معماگونه و اسرارآمیز:

«تاریخ میزگرد درباره کامپیوتر و کرکودیل به دلایل بدیهی به تعویق افتاد نقطه لطفاً طبق قولی که داده‌اید تاریخ جدید اعلام فرمایید نقطه» کدام تاریخ؟ کدام قول و قرار این هم برود تو سطل آشغال.

امروزه پست سریع‌السير شبانه‌روزی تلگراف را از سکه انداخته است. هزینه پستش قیمت خون پدرش است و تنها با سیم بُر می‌شود درش را باز کرد. تازه پاکتش طوری درست شده که حتا وقتی باز است از محتوایش چیزی سر در نمی‌آورد چون باز باید از هفت خوانی از چسب اسکاچ عبور کنید. اینگونه نامه‌ها را فقط از روی ادا و اسنویسم می‌فرستند چون در نهایت چیزی بیشتر از یک «سلام» روی یک کارت ویزیت نیست (اما ساعت‌ها وقت صرف می‌کنید تا پیدایش کنید چون پاکتش به اندازه یک کیسه زباله است و همه هم دستشان به درازی دست مستر هاید نیست). اکثر اوقات هم هدف این نوع پست باج‌گیری است که رمزش هم کوبن جوانی است که درش گذاشته‌اند. فرستنده‌اش تلویحاً می‌خواهد به شما بگوید: «برای اینکه حرفم را به تو بزنم کلی پول خرج کردم، سرعت مرسوله نشان می‌دهد که تا چه حد بی‌صبر و بی‌قرارم، و از آنجا که بابت پاسخش هم پول خرج کردم، اگر جوابم را ندهی واقعاً که نامردی.» این همه گستاخی سزاوار یک تنبیه حسابی است. از این به بعد دیگه فقط نامه‌هایی را باز می‌کنم که قبلاً تلفنی و صراحتاً قبول کردم. بقیه را پرت می‌کنم در آشغال‌دانی ولی باز هم باعث دردسر است چون سطل کاغذم را پر می‌کند. یادش بخیر روزگار کبوترهای نامه بر!

اغلب تلگراف‌ها و نامه‌های سریع‌السير خبر از پاداشی می‌دهد. در این دنیای خاکی هر کس در آرزوی پاداشی است (جایزه نوبل، بلیط بخت آزمایی سال نو، نشان افتخار) و بعضی به اصطلاح پاداش‌ها هم وجود دارد که دنبال خواستارند. هر کس بخواهد یک واکس جدید، یک آب معدنی پر املاح را روانه بازار کند یک جایزه درست می‌کند. خودتان خوب می‌دانید که هیچی راحت‌تر از پیدا کردن هیئت ژوری نیست. اما یافتن کسی که بهش جایزه بدهید خودش

مسئله‌ای است. البته اگر بخواهید به تازه کارها جایزه بدهید کار آسان می‌شود، اما افسوس که در این صورت روزنامه‌نگارها و خبرنگارهای تلویزیون به خودشان زحمت آمدن نمی‌دهند. کسی که جایزه بهش تعلق می‌گیرد دست کم باید کلود سیمون باشد.<sup>۱</sup> اما اگر کلود سیمون می‌خواست تمام جوایزی را که بهش می‌دهند قبول کند دیگه باید با نوشتن وداع می‌کرد. در نتیجه تلگرافی که خبر از جایزه‌ای دارد باید لحنی امرانه داشته باشد و در صورت امتناع هم جریمه سنگینی در نظر بگیرد:

«خوشوق‌تیم به اطلاع برسانیم که امشب تا نیم ساعت دیگر چسب زخم بندی طلایی به شما اهدا خواهد شد. خاطر نشان می‌شود که حضور شما برای رای قطعی کمیته گزینش ضروری است. در غیر این صورت با نهایت تاسف ناگزیر خواهیم شد شخص دیگری را برای این عنوان دانشگاهی برگزینیم.» در این گونه تلگراف‌ها فرض بر این است که گیرنده از جایش بجهد و هراسان فریاد برآورد که «نه! نه! این کار را نکنید. من! من!»

وای نزدیک بود یادم بی‌رود. گاهی هم کارت پستال‌هایی از کوالا لامپور به دستتان می‌رسد با امضای «ژان»، کدام ژان؟ (۱۹۸۸)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - کلود سیمون Claude Simon نویسنده فرانسوی در سال ۱۹۱۳ متولد شد و در سال ۲۰۰۵ درگذشت. سبک نوشتارش به رمان نو نزدیک است.